

## "قانون اساسی" مفت چنگتان!

### ما قانون آزادی را در نبرد خیابانی مینویسیم!

ظاهرا با تداوم و تشدید جنبش آزادیخواهانه، روز به روز باند حکومتی هاشمی- موسوی و قلم بدستان رفرمیست مذهبی و غیر مذهبی، خود را ملزم میبینند که بیش از پیش به مقابله با تعمیق این جنبش برخیزند. اگر تا چندی پیش حضرات با لحنی از سر دلسوزی و "عقل گرایی" و با ترساندن مردم از "سناریو سیاه" همگان را دعوت میکردند که به "قرائتی دیگر از اسلام" در همین چهارچوب جمهوری اسلامی رضایت دهند، امروز دیگر صریحا "قانون اساسی" جمهوری اسلامی را به مثابه هدف جنبش اشان اعلام میدارند. قانونی که جوهره اش بر اصل ولایت فقیه و پاسداری از نظام سرمایه داری بنیان نهاده شده است. قانونی که همین حضرات با توسل بدان خود به سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان میپرداختند. قانونی که بر اندام قرون وسطائی دیکتاتوری ولی فقیه به مثابه حافظ جامعه سرمایه داری، جامعه قانونیت بورژوائی میپوشاند. باند هاشمی- موسوی خود از مجریان این قانون بوده اند. تمامی تالانگری و سرکوبهای ددمنشانه دهه شصت در پرتو همین قانون و اصل اساسی اش یعنی ولایت فقیه سازمان داده میشد. خمینی جلاد در پرتو همین قانون فتوای کشتار میداد و موسوی جنایتکار بر راس دولت- قوه مجریه - به همین فرمان ها جامعه عمل قانونی میپوشانید. دهها هزار فعال زندانی در سایه اجرای همین قانون بتوسط ماشین سرکوبی که موسوی در راس اش بود تنها در عرض چند هفته در میدان دار و تیرباران جان باختند. فتوای تجاوز به دختران زندانی قبل از اعدام در پرتو قدرتی که همین قانون به ولی فقیه میداد صورت میگرفت. شکنجه و نابود سازی شخصیت هزاران زندانی زن و مرد با توسل به قدرتی که همین قانون به ولی امر داده است صورت میگرفت. دولتی که موسوی در راس آن بود مجری و عامل اجرائی همین فرمان ها بود. باند هاشمی- موسوی با توسل به "قانون اساسی" خواهان بازسازی پیکر فرتوت و مضمحل و در حال فرو ریزی ارتجاع حاکم هستند. بدین علت است که این کارگزار بیمقدار بورژوازی اکنون رو به جنبش آزادیخواهانه مردم انقلابی، از آنها میخواهد که خواهان اجرای همان چیزی باشند که مردم انقلابی برای برهم زدن آن پای به خیابان نهاده اند.

ارتجاع بورژوازی در کلیت اش چنان به هراس افتاده که به نظر میرسد که قوه بینائی و شنوائی را از دست داده است. جناح ظاهرا غالبش از وحشت سرنگونی چنان مشاهیرش را باخته است که با یورش های کور و مداوم، خود را به هر آب و آتشی میزند تا شاید برای لحظه ای هم که شده احساس امنیت نماید. جناح دیگرش هم که ظاهرا توان دیدن و شنیدن واقعیت را از دست داده و در برابر خروش نبرد مردمی و درخواستهای آزادی طلبانه اشان چنان گیج و منگ گردیده که ورد "قانون اساسی" گرفته و از رویای تجدید سازمان بورژوا- امپریالیستی بتوسط "جنازه قانون" به مثابه راه حل سخن میگوید. از تارک جناح سبز مهر ننگ "ولایت فقیه" قرون وسطائی زدودنی نمیشد.

سیر پیشرفت جنبش آزادیخواهانه که بارقه ای از آن در جریان نبرد، در روز ۱۸ تیر بروز یافت به همگان از جمله به مدافعان نظم سرمایه دارانه نشان داد که برای حفظ چهارچوب مقدس سرمایه داری به میدان آمده و پرچم های فرو افکنده سبز را مجددا برافرازند. پاسدار- اصلاح طلبان و تقلیل گرایان باصطلاح چپ و جماعت روشنفکران خرده بورژوا با هیاهو و پشتیبانی تبلیغاتی و باصطلاح در دفاع از مبارزات "مردم ایران" به میدان آمدند. همگی به سنت "چفیه" هایشان اینبار دستار و شال سبز بستند و در معیت خیل روشنفکران خرده بورژوا که با هزار و یک بند به بارگاه بورژوازی وابسته اند، در زیر عکس سمبل مقاومتشان "حجاریان"- یکی از بنیان گذاران وزارت اطلاعات- شروع به ایراد خطابه های حقوق بشرانه و "آزادیخواهانه"! کردند. در یک دستشان پرچم سبز باند هاشمی- موسوی و در دست دیگرشان پرچم آزادی در چهارچوب حقوق بشر یا صریحتر آزادی حق مقدس مالکیت خصوصی! قرار دارد. آنان در حالی از دموکراسی سخن میگویند که حتی قادر نیستند که نقش دمکراتهای نیم بند را در جریان همین کمپین هایشان ایفا نمایند. در حضور آنان شعار مرگ بر جمهوری اسلامی ممنوع است تا چه رسد به نابودی سرمایه داری که سبب تنفر عالیجنابانه اشان می گردد. از هم اکنون بر تارک آنان مهر

ننگ مدافعه از جامعه سرمایه داری و یک دیکتاتوری بزک کرده دیگر حک شده است. زیرا سیستم سرمایه داری وابسته در ایران خود بستر اساسی در ظهور دیکتاتوری است و مدافعه از این نظم سرمایه دارانه در واقع قربانی کردن جنبش آزادیخواهانه در راه قدرت گیری یک جناح بورژوا-امپریالیستی دیگر و فراهم نمودن شرایط برای یک دیکتاتوری دیگری است.

اما حتی اگر تمام دستگاه تبلیغاتی بورژوازی-امپریالیستی و تمامی دارودسته های فرمیستی و تقلیل گرا بسیج شوند تا یک تجدید سازمان بورژوا-امپریالیستی و یا "قرائتی دیگر از اسلام" و یا هر بدیل بورژوا-امپریالیستی دیگر را جایگزین شرایط حاکم بنمایند، قادر نخواهند بود که بر پیکر ارتجاع بورژوازی خون تازه بدمند. بوی تعفن ارتجاع بورژوازی حاکم در ایران عالمگیر شده است. تنها راهی که در مقابل هر مبارز کارگر و کمونیست و هر فعال واقعا دموکرات در جنبش های اجتماعی قرار دارد سازماندهی صف مستقل نبرد برای سرنگونی و پایان دادن به تمامی نظامات قرون وسطائی است و بس.

جنبش آزادیخواهانه در نبرد بسوی اهداف انقلابی، بیان واقعی نیازهایش را در شعائری خواهد یافت که همین لاشه متعفن یعنی "جنازه قانون" و عوارض سیادت سیاسی-اجتماعی و اقتصادی اش را نشانه گرفته باشند. شعائری که نه تنها بیان مطالبات انقلابی در نبرد کنونی بلکه مبشر و فراهم کننده شرایط اتحاد انقلابی در صفوف جنبش کارگری، زنان، دانشجویان و ملت های تحت ستم باشند. زنان و مردان مبارزی که پرچم آزادی را در خیابان برافراشته اند، با نبرد مستقیم و انقلابی و طرح درخواست های آزادی طلبانه اشان قانون خیزش و رهائی را خواهند نوشت و "قانون اساسی" ارتجاع حاکم را به زباله دانی خواهند فرستاد. شاید در این راه فرمیستها و تقلیل گرایان بتوانند برای مدتی اذهان را به گمراهی بکشانند ولی آنان قادر به مقابله با طوفان های فرا روی نخواهند بود. طوفان های انقلابی که کمونیست های انقلابی با پرچم "نان، آزادی، سوسیالیسم!" به استقبالشان می شتابند.

کمونیست های انقلابی تحت هر شرایطی در نبرد برای "نان" بایستی پرچم درخواست ها و مطالبات رفاهی کارگران و زحمتکشان را به اهتزاز در آورند! و متعاقب آن با برافرازی پرچم "آزادی" بسوی تحقق و تعمیق درخواست ها و مطالبات حداقلی کارگران و زحمتکشان در پیگیرترین و رادیکالترین دموکراتیسم سیاسی-اجتماعی و اقتصادی یعنی جمهوری دموکراتیک انقلابی به مثابه حاکمیت شوراهای انقلابی همچون بستری در جهت تحقق دموکراسی پرولتری اقدام نمایند. و دقیقا در راستای این مبارزات، کمونیست های انقلابی نبرد سوسیالیستی را در جریان نبرد جهت تعمیق و پیشروی دستاوردهای کارگران و زحمتکشان سازمان داده و به برپائی سوسیالیسم اقدام مینمایند. بدون نبرد برای آزادی، نبرد برای نان بتوسط فرمیستها به بیراهه کشیده خواهد شد و بدون نبرد برای سوسیالیسم جنبش آزادیخواهانه بتوسط اپورتونیستها قربانی جریانات بورژوا-امپریالیستی خواهد گردید. آن قانونی که در نبرد خیابانی نوشته خواهد شد، قانونی برای نان، قانونی برای آزادی و قانونی برای سوسیالیسم خواهد بود.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**نان، آزادی، سوسیالیسم!**

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر - ۴ مرداد ۱۳۸۸

[razmandehi@ymail.com](mailto:razmandehi@ymail.com)